

[بررسی شرطیت رد فاضل دیه در اجرای قصاص در موارد وجود تفاضل 1](#_Toc511661797)

[روایات اشتراط جواز قصاص به رد فاضل دیه 2](#_Toc511661798)

[روایت اول: صحیحه حلبی 2](#_Toc511661799)

[روایت دوم: روایت عبد الله بن مسکان 3](#_Toc511661800)

[روایت سوم: روایت بی مریم انصاری 4](#_Toc511661801)

[روایت چهارم: عبدالله بن مسکان 4](#_Toc511661802)

[روایت پنجم: معتبره ابی بصیر 4](#_Toc511661803)

[روایت ششم: روایت ابی مریم 5](#_Toc511661804)

[روایات معارض؛ روایات عدم اشتراط قصاص به رد فاضل دیه 5](#_Toc511661805)

**موضوع**: قتل به تسبیب/مراتب تسبیب/مرتبه چهارم/ اشتراک در قتل /قتل عمد /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در راستای مسائل و مباحث اشتراک در جنایت، و به مناسبت مسأله مشارکت مرد و زن در قتل مرد دیگر به اشتراط رد فاضل دیه نسبت به قصاص رسید.

 همان طوری که گذشت، مرحوم آقای خویی ره و بسیاری دیگر از بزرگان، بر اساس برخی روایات، رد فاضل دیه را وظیفه شرکای در جنایت می دانند، در حالی که چنین امری، با این که شرط استیفای قصاص در موارد وجود تفاضل بین میزان جنایت با دیه جانی و مورد قصاص،رد فاضل دیه باشد، سازگار نیست، بله، اگر چنین شرطی محقق نشود، می توان رد فاضل را از وظایف شرکای در قتل دانست.

بررسی شرطیت رد فاضل دیه در اجرای قصاص در موارد وجود تفاضل

در جایی که جنایت از متعدد صادر است و هر یک از جنات مسؤول بخشی از جنایت است به نحوی که دیه اش فاضل بر جنایتش می شود، آیا استیفای قصاص از جانی مشروط به رد فاضل دیه قبل از قصاص است؟ و همان گونه که یکی از شرایط قصاص، تحقق مرگ مجنی علیه می باشد، و لذا در فرض مسمومیت وی تا زمانی که این سم اثر نکرده باشد و قتل صورت نگرفته باشد؛ حق قصاص برای ولی دم ثابت نیست؛ یکی از شروط قصاص هم این است که اگر دیه جانی فاضل بر جنایت او می باشد، ابتدا باید این فاضل رد شود تا قصاص مشروع شمرده شود.

همان گونه که مرحوم محقق قائل شده است، مرحوم صاحب جواهر قدس سره هم قول به این اشتراط را به مرحوم علامه ره نسبت می دهد، اما مرحوم فاضل اصفهانی ره در کشف اللثام به این اشتراط اشکال نموده است.[[1]](#footnote-1)

مرحوم آقای تبریزی اعلی الله مقامه الشریف در مقام، تفصیلی دارد که به نظر می رسد مطابق با ظهور ادله مختلف است که حاص فرمایش ایشان این است که در مواردی که رد فاضل از وظایف و تکالیف ولی دم می باشد، قصاص متوقف و مشروط به ادای این فاضل است، اما در مواردی که این گونه نیست و شریک یا شرکای در قصاص موظف به پرداخت فاضل دیه می باشند، استیفای قصاص مشروط و متوقف بر آن نیست؛ «قد تقدم أنّ اعتبار كون الرد مقدّما على الاستيفاء إنّما هو فيما وجب على الولي ردّ فاضل الدية، و أمّا إذا كان فاضل الدية على باقي الشركاء في القتل أو على الشريك الآخر فاعتبار تقدّم الردّ احتماله مدفوع بإطلاق الأخبار، بل ما ورد في بعضها من الردّ على أولياء المقتصّ منه يشعر بخلاف الاعتبار.»[[2]](#footnote-2)

روایات اشتراط جواز قصاص به رد فاضل دیه

برای روشن شدن قضیه نیاز است که ادله و روایات موجود در مقام بررسی و تمام آن چه که برای اشتراط قابل استدلال است بیان شود.

مرحوم آقای خویی ره که قائل به این اشتراط شده است، تنها به دو روایت اکتفاء می کند،[[3]](#footnote-3) ولی به غیر از این دو روایت، روایات دیگری هم وجود دارد که خواهد آمد.

روایت اول: صحیحه حلبی

وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِي الرَّجُلِ يَقْتُلُ الْمَرْأَةَ مُتَعَمِّداً- فَأَرَادَ أَهْلُ الْمَرْأَةِ أَنْ يَقْتُلُوهُ- قَالَ ذَاكَ لَهُمْ إِذَا أَدَّوْا إِلَى أَهْلِهِ نِصْفَ الدِّيَةِ- وَ إِنْ قَبِلُوا الدِّيَةَ فَلَهُمْ نِصْفُ دِيَةِ الرَّجُلِ- وَ إِنْ قَتَلَتِ الْمَرْأَةُ الرَّجُلَ- قُتِلَتْ بِهِ لَيْسَ لَهُمْ إِلَّا نَفْسُهَا الْحَدِيثَ.***[[4]](#footnote-4)***

به روشنی مشخص است که این روایت، دال بر لزوم رد فاضل دیه و اشتراط آن برای تحقق و اجرای قصاص است.

مفهوم جمله «ذاک لهم اذا ادوا الی اهله نصف الدیه» این است که اگر چنین امری محقق و ادا نشد، قصاص نیز جایز نیست. به تعبیر دیگر، اطلاقات ادله قصاص در فرض مشارکت، اقتضا دارد که ولی دم حق قصاص را دارد که این اطلاق اعم از تقدم رد فاضل بر قصاص یا تقدم قصاص بر آن است، اما این روایت، دال بر این است که ابتدا باید رد فاضل صورت گیرد، تا قصاص قابلیت اجرا پیدا کند.

اما نکته ای که در این جا وجود دارد، این است که مورد این روایت مربوط به جایی است که ولی دم موظف به تأمین فاضل دیه می باشد و حرفی از مشارکت و ادای رد فاضل دیه از سوی شریک در آن مطرح نیست.

روایت دوم: روایت عبد الله بن مسکان

وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلَيْنِ قَتَلَا رَجُلًا- قَالَ إِنْ أَرَادَ أَوْلِيَاءُ الْمَقْتُولِ قَتْلَهُمَا- أَدَّوْا دِيَةً كَامِلَةً وَ قَتَلُوهُمَا- وَ تَكُونُ الدِّيَةُ بَيْنَ أَوْلِيَاءِ الْمَقْتُولَيْنِ- فَإِنْ أَرَادُوا قَتْلَ أَحَدِهِمَا قَتَلُوهُ- وَ أَدَّى الْمَتْرُوكُ نِصْفَ الدِّيَةِ إِلَى أَهْلِ الْمَقْتُولِ- وَ إِنْ لَمْ يُؤَدِّ دِيَةَ أَحَدِهِمَا- وَ لَمْ يَقْتُلْ أَحَدَهُمَا قَبِلَ الدِّيَةَ صَاحِبُهُ مِنْ كِلَيْهِمَا- (وَ إِنْ قَبِلَ أَوْلِيَاؤُهُ الدِّيَةَ كَانَتْ عَلَيْهِمَا).***[[5]](#footnote-5)*** ‌

این روایت هم مربوط به موردی است که رد فاضل دیه، وظیفه ولی دم محسوب می شود و نسبت به موارد دیگر که رد فاضل، وظیفه ولی دم نیست و بر عهده شرکا می باشد، شمولی ندارد، مضافا به این که در ذیل روایت نیز در مورد فرضی که شرکای در قتل موظف به پرداخت فاضل دیه هستتند، قصاص را مشروط به رد این فاضل نمی داند.

ظاهرا مراد مرحوم آقای تبریزی ره نیز این است که در صورتی که رد فاضل دیه وظیفه شریک در جنایت است، قبل از رد فاضل توسط شریک نیز استیفای قصاص ممکن است، در نتیجه در موارد شرکت در جنایت و در صورت عفو برخی از اطراف جنایت، وظیفه معفو عنه به حکم تکلیفی رد فاضل دیه خواهد بود و با وجود این که فاضل دیه بدهی ولی دم به جانی است، اما در این موارد از قبیل ضامن اجرایی قصاص محسوب می شود.

مرحوم آقای خویی ره در مقام به همین دو روایت بسنده نموده است، اما همان طور که بیان شد، روایات دیگری هم در مسأله وجود دارد.

روایت سوم: روایت بی مریم انصاری

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي رَجُلَيْنِ اجْتَمَعَا عَلَى قَطْعِ يَدِ رَجُلٍ قَالَ إِنْ أَحَبَّ أَنْ يَقْطَعَهُمَا أَدَّى إِلَيْهِمَا دِيَةَ يَدٍ فَاقْتَسَمَا ثُمَّ يَقْطَعُهُمَا وَ إِنْ أَحَبَّ أَخَذَ مِنْهُمَا دِيَةَ يَدٍ قَالَ وَ إِنْ قَطَعَ يَدَ أَحَدِهِمَا رَدَّ الَّذِي لَمْ يُقْطَعْ يَدُهُ عَلَى الَّذِي قُطِعَتْ يَدُهُ رُبُعَ الدِّيَةِ.***[[6]](#footnote-6)***

با وجودی که این روایت، در مورد قصاص طرف است ولی اجرای حق قصاص را منوط به رد دانسته است که البته در این جا نیز در موردی چنین شرطی وضع شده است که رد فاضل وظیفه خود مجنی علیه است، مضافا به این که در ذیل روایت نیز که فرض تبعیض و تفکیک بین عفو یکی از دو جارح و قصاص دیگری مطرح شده است، و دیه در آن وظیفه جانی مورد عفو است؛ پرداخت دیه موکول به بعد از اجرای قصاص و قطع عضو شده است.

روایت چهارم: عبدالله بن مسکان

وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا قَتَلَتِ الْمَرْأَةُ رَجُلًا قُتِلَتْ بِهِ- وَ إِذَا قَتَلَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ- فَإِنْ أَرَادُوا الْقَوَدَ- أَدَّوْا فَضْلَ دِيَةِ الرَّجُلِ (عَلَى دِيَةِ الْمَرْأَةِ) وَ أَقَادُوهُ بِهَا- وَ إِنْ لَمْ يَفْعَلُوا قَبِلُوا الدِّيَةَ دِيَةَ الْمَرْأَةِ كَامِلَةً- وَ دِيَةُ الْمَرْأَةِ نِصْفُ دِيَةِ الرَّجُلِ.[[7]](#footnote-7)

این روایت نیز به مانند روایات قبلی اجرای قصاص را منوط به رد فاضل دیه دانسته است، منتهی موردش جایی است که ولی دم موظف به رد فاضل دیه است.

روایت پنجم: معتبره ابی بصیر

وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ‌ ع عَنِ الْجِرَاحَاتِ إِلَى أَنْ قَالَ- وَ قَالَ إِنْ قَتَلَ رَجُلٌ امْرَأَتَهُ عَمْداً- فَأَرَادَ أَهْلُ الْمَرْأَةِ أَنْ يَقْتُلُوا الرَّجُلَ- رَدُّوا إِلَى أَهْلِ الرَّجُلِ نِصْفَ الدِّيَةِ وَ قَتَلُوهُ- قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ امْرَأَةٍ قَتَلَتْ رَجُلًا- قَالَ تُقْتَلُ وَ لَا يَغْرَمُ أَهْلُهَا شَيْئاً.***[[8]](#footnote-8)***

روایت ششم: روایت ابی مریم

وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَّادٍ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أُتِيَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِرَجُلٍ قَدْ ضَرَبَ امْرَأَةً حَامِلًا- بِعَمُودِ الْفُسْطَاطِ فَقَتَلَهَا- فَخَيَّرَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَوْلِيَاءَهَا- أَنْ يَأْخُذُوا الدِّيَةَ خَمْسَةَ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ غُرَّةٌ وَصِيفٌ- أَوْ وَصِيفَةٌ لِلَّذِي فِي بَطْنِهَا- أَوْ يَدْفَعُوا إِلَى أَوْلِيَاءِ الْقَاتِلِ خَمْسَةَ آلَافٍ وَ يَقْتُلُوهُ.***[[9]](#footnote-9)***

در این دو روایت نیز اشتراط قصاص به رد فاضل دیه در موردی است که ولی دم موظف به پرداخت این فاضل است.

البته روایات به این موارد مذکور ختم نمی شود ولی همه آن ها مضمونی واحد با این روایات دارند.

روایات معارض؛ روایات عدم اشتراط قصاص به رد فاضل دیه

عده ای از روایات هم وجود دارد که در آن ها با وجود این که ولی دم موظف به رد فاضل است، قصاص بر رد فاضل مقدم دانسته شده است.

عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنْ قَتَلَ رَجُلٌ امْرَأَةً خُيِّرَ أَوْلِيَاءُ الْمَرْأَةِ إِنْ شَاءُوا أَنْ يَقْتُلُوا الرَّجُلَ وَ يَغْرَمُوا نِصْفَ الدِّيَةِ لِوَرَثَتِهِ وَ إِنْ شَاءُوا أَنْ يَأْخُذُوا نِصْفَ الدِّيَةِ.***[[10]](#footnote-10)***

1. . [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج42، ص74.](http://lib.eshia.ir/10088/42/74/) [↑](#footnote-ref-1)
2. . تنقيح مباني الأحكام - كتاب القصاص، ص: 73. [↑](#footnote-ref-2)
3. . [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج42، ص35.](http://lib.eshia.ir/71334/42/35/) [↑](#footnote-ref-3)
4. . [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج29، ص81، أبواب قصاص فی النفس ، باب33، ح3، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/29/81/) [↑](#footnote-ref-4)
5. . [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج29، ص42، أبواب قصاص فی النفس، باب12، ح4، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/29/42/) [↑](#footnote-ref-5)
6. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص284.](http://lib.eshia.ir/11005/7/284/) [↑](#footnote-ref-6)
7. . [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج29، ص81، أبواب قصاص فی النفس ، باب33، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/29/81/) [↑](#footnote-ref-7)
8. . [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج29، ص81، أبواب ، باب33، ح4، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/29/81/) [↑](#footnote-ref-8)
9. . [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج29، ص82، أبواب ، باب33، ح5، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/29/82/) [↑](#footnote-ref-9)
10. . [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج10، ص182.](http://lib.eshia.ir/10083/10/182/) [↑](#footnote-ref-10)